

کاپیتولاسیون

مقدمه

اغلب استراتژیست‌ها در حوزه منازعات اجتماعی معتقدند که تاریخ ناکامی در منازعات را می‌توان در دو کلمه خلاصه کرد: خیلی دیر.

خیلی دیر در یافتن مقصد مرگبار دشمنی که دارای توانایی و قابلیت است؛ خیلی دیر متوجه خطرهای مرگبار شدن؛ خیلی دیر سرچشمه سیلاب‌های اجتماعی را تشخیص دادن؛ خیلی دیر تدارک دیدن و آمادگی یافتن؛ خیلی دیر به آرمان‌ها، نیازها، بینش‌ها و گرایش‌های مردم توجه کردن؛ خیلی دیر متحد ساختن کلیه قوای ممکن جهت مقاومت و مقابله؛ خیلی دیر ذخایر و سرمایه‌های ملی و بومی را تشخیص دادن؛ خیلی دیر به خود آمدن و به داشته‌های خود اعتماد کردن؛ و خیلی دیر در کنار مردم بودن.

اکنون که این مجموعه را بازخوانی می‌کنیم نزدیک به پنج دهه از زمانی که خمینی کبیر علیه تصویب لایحه نکبت‌بار و عزت‌شکن کاپیتولاسیون قیام کرد و این قیام در کنار نهضت ۱۵ خرداد نقطه عطف تاریخ تحولات ایران شد، می‌گذرد. در این پنجاه سال تغییرات عظیمی در ایران، منطقه و جهان به وقوع پیوسته و رخدادهای جدیدی خود را جایگزین رخدادهای گذشته کرده‌اند و رخدادهایی که روزی نقطه عزیمت بسیاری از





وقایع بعدی بوده‌اند گرد فراموشی ایام بر آنها نشسته است.

در درون این پنجاه سال ملت ایران تاریخ جدیدی را برای خود رقم زد. آنهایی که روزگاری سرمست از قدرت بودند و برای مردم و اعتقادات آنها ارزشی قائل نبودند اکنون به زباله‌دانی تاریخ پیوسته‌اند و مردمی که در تاریخ جایی برای آنها وجود نداشت اکنون موضوع و ماده همه دگرگونی‌های تاریخی به حساب می‌آیند.

با وجودی که مادر این پنجاه سال درگیر کشاکشی غول‌آسا برای حفظ استقلال، آزادی و حق تعیین سرنوشت و جمهوری اسلامی بی‌بدیل خود در دنیا بودیم ولی به ندرت فرصت‌ها و تهدیدهای رخدادهای قبلی را چراغ راه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده کرده‌ایم.

با این همه آنچه باعث شد که در این پنجاه سال در مقابل تمامی خطرهایی که متوجه استقلال، آزادی، عزت، کرامت، فرهنگ، اعتقادات، تاریخ و سرزمین ما بود، ایستادگی و مقاومت کنیم این بود که فراموش نکردیم در منازعات با دشمن بی‌رحم و بی‌منطق و سیری‌ناپذیر، نباید مواضع محاصره‌شده خود را بدون شلیک حتی یک تیر تسلیم کنیم؛ چون از خمینی کبیر در قیام ۱۵ خرداد و جریان تصویب لایحه ذلت‌بار کاپیتولاسیون یاد گرفته بودیم که اگر مواضع خود را بدون شلیک حتی یک گلوله تسلیم کنیم نه از اهمیت پیروزی محاصره‌کنندگان و دشمنان ذره‌ای می‌کاهد و نه شکست تسلیم‌شدگان سرسوزنی بی‌اهمیت جلوه می‌دهد.

این رمز پیروزی منطق نهضت امام خمینی بود که هیچ موضعی از مواضع خود را بدون شلیک یک گلوله تحویل دشمنان خود ندهیم. تمام عظمت نهضت ۱۵ خرداد و قیام علیه کاپیتولاسیون را در آن شرایط مرگبار و خفقان‌آور که دوست و دشمن بر ملت ایران تحمیل کرده بودند حتی اگر در حد شلیک همین یک گلوله به حساب آوریم باز هم جا دارد که فرصت‌ها و تهدیدهای آن را برای همیشه چراغ راه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و از همه مهم‌تر شیوه مذاکره و مقاومت کردن در مقابل دشمنان ملت ایران قرار دهیم.

ما هنوز فراموش نکرده‌ایم رژیم مشروطه سلطنتی و شبه‌روشنفکران وابسته به آن با تمام قوایی که از طرف کاخ سفید و کاخ کرملین و صهیونیسم و فراماسونری جهانی به آنها تزریق شده بود، وکالت داشتند که یکی پس از دیگری تمام مواضع استقلال، آزادی، عزت ملی و ارزش‌های اعتقادی ملت ایران را تا حد امکان بدون حتی شلیک یک گلوله از طرف مردم و نیروهای مردمی، به تصرف خود درآورند و ایران را به نوکری حقیر و سر

به زیر در مقابل استبداد و استعمار تبدیل کنند.

آری؛ این تنها خمینی بود که از یگانه سنگر باقیمانده، یعنی سنگر حوزه‌های علمیه با همه وجود تیری پر تاب کرد و همان تیر استراتژیک در ۱۵ خرداد، بر قلب دشمن نشست. در آن دوران تمامی گروه‌ها، احزاب و جریان‌هایی که خود را در طرف مردم به حساب می‌آوردند، به این امید که کرسی‌ای از کرسی‌های مجلس یا میزی در یک اداره و یا برگی از یک نشریه و یا ساعتی از تمام تاریخ را برای نشست‌های بی‌خاصیت و یا تجمعات بی‌هدف محفل خود به دست آورند، یکی پس از دیگری بدون شلیک حتی یک گلوله مواضع خود را تحویل دشمن دادند. اما خمینی کبیر آنقدر در این سنگر جنگید تا دشمن مجبور شود برای ساکت کردن آتش‌های این سنگر تاوان سنگینی پرداخت نماید.

اگر چه سنگر خمینی به ظاهر اشغال شد و وی به جرم ایستادگی در مقابل اجنبی و ستون پنجم آن و به جرم نه گفتن به استبداد و استعمار از کشور تبعید شد اما یاد و خاطره مقاومت‌های این سنگر مانند خورشید درخشانی در تاریخ رخدادهای بعدی پرتوافکنی کرد و در کمتر از ۱۵ سال خرمن‌های پوشالی رژیم پادشاهی و حامیان آنها را خاکستر ساخت.

اکنون ما در پنجاهمین سالگشت قیام امام خمینی علیه لایحه کاپیتولاسیون هستیم. شاید در ذهن بسیاری از جوانان این مرز و بوم تصویر دقیقی از پیش‌زمینه‌های این قیام و نتایج و دستاوردهای آن برای تاریخ معاصر نباشد. به رغم اهمیت این رخداد در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران هنوز متون مدون و کاملی درباره کاپیتولاسیون و علل و عوامل مقابله و مقاومت امام خمینی با این لایحه منتشر نشده است.

اولین بار بخشی از اسناد مربوط به این رخداد به صورت مدون در سال ۱۳۵۶ در جلد اول *نهضت امام خمینی اثر حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید حمید روحانی* در خارج از ایران منتشر شد.^۱ با وجودی که در آن دوران دسترسی به تمامی اسناد و مذاکرات و مکاتبات مربوط به کاپیتولاسیون کار غیر ممکن بود و نویسنده هم در ایران حضور نداشت ولی تلاش ایشان در تبیین این رخداد به شکل مدون انصافاً بی‌نظیر بود.

اهمیت این کتاب در شناخت نهضت امام خمینی و ماهیت وابسته رژیم پهلوی آنقدر زیاد بود که به محض انتشار آن ساواک اعلام کرد که باید به این کتاب پاسخ داده شود تا مطالب آن در مردم اثر نکند.

بعد از انقلاب اسلامی و باز شدن در مراکز اسناد به روی محققان و منتشر شدن بخشی

۱. سید حمید روحانی، *نهضت امام خمینی*، تهران، عروج، ۱۳۸۱، دفتر اول، ج ۱۵.



از اسناد و منابع مربوط به انقلاب اسلامی و همچنین چاپ بخشی از خاطرات سران رژیم پهلوی و خارج شدن اسناد کشورهای که در ایران حضور داشتند از سطح طبقه‌بندی، مخصوصاً اسناد کشورهای انگلیس و امریکا، اگر چه فرصت و فضا برای تحقیق عمیق‌تر و مستندتر درباره این رخداد بزرگ فراهم شد اما هیچ گروه و جریان و مرکزی تمایل پیدا نکرد منشورات مربوط به واقعه کاپیتولاسیون را مورد پژوهش قرار دهد.

با وجودی که اسناد مربوط به بخش مستشاری نظامی امریکا در ایران در مجموعه اسناد لانه جاسوسی و همچنین اسناد مربوط به اصل چهار ترومن در ایران که توسط مرکز اسناد ریاست جمهوری در دو جلد منتشر شد و در شناخت پیش‌زمینه‌های حضور هیئت‌های مستشاری نظامی و اقتصادی امریکا در ایران بسیار مفید است و از همه مهم‌تر انتشار مجموعه دو جلدی *اسناد سخن می‌گویند*، اثر احمدعلی رجایی و مهین سروری که مجموعه اسناد مربوط به مذاکرات دکتر مصدق با امریکاییان است و در شناخت شیوه برخورد مصدق با هیئت‌های مستشاری و حساسیت امریکاییان نسبت به این هیئت‌ها و بسیاری از وقایع ناگفته تاریخ معاصر ایران و نقش امریکا در این وقایع اهمیت دارد، ولی تا به امروز هیچ تلاشی برای نشان دادن این اسناد در کنار هم و درک دقیق‌تر و مستندتر رخدادهای تاریخ معاصر به خصوص نفوذ حیرت‌آور امریکا در ارکان تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و امنیت ملی کشور به عمل نیامده است. ما نمی‌دانیم این سکوت مرگبار در مورد بررسی مستند نفوذ امریکا در ایران از سر عمد است یا یک سهو تاریخی؛ ولی می‌دانیم در بازخوانی مجدد این اسناد می‌توانیم درک دقیق‌تر و عمیق‌تری از رفتار امریکاییان در برخورد با انقلاب اسلامی به خصوص در مذاکرات هسته‌ای و شیوه‌هایی که سیاستمداران امریکایی در پیشبرد اهداف خود به کار می‌گیرند تا طرف مذاکره یا معامله خود را مرعوب یا اقناع سازند داشته باشیم.

سقوط مرکز لانه جاسوسی امریکا در ایران به دست دانشجویان پیرو خط امام و انتشار اسناد به دست آمده در این مرکز بیش از پیش ماهیت ننگین لایحه کاپیتولاسیون و درخواست مصونیت برای مستشاران امریکایی در ایران و قیام بی‌نظیر امام خمینی در مقابل این لایحه را برملا می‌سازد. در کنار این اسناد چاپ خاطرات مستقیم و غیر مستقیم کارگزاران رژیم شاه که به نحوی در طرح و تصویب این لایحه و تحمیل آن به مردم ایران دخیل بودند عمق فاجعه و ارزش حیاتی قیام امام را بیشتر نمایان می‌سازد. هدف اصلی این مجموعه آن است که با کنار هم قرار دادن این اسناد پرانگنده شرایط علمی‌تری را برای فهم این رخداد فراهم سازد. از آنجایی که تلاش ارزشمند نویسنده



کتاب نهضت/امام خمینی در آن شرایط سخت در گردآوری اسناد این رخداد و تبیین دقیق ماهیت قیام امام در مقابل کاپیتولاسیون مقدمه‌ای بر تمام پژوهش‌های هم‌سنخ می‌باشد این مجموعه همت خود را بر پایه‌های پژوهش‌های کتاب نهضت/امام خمینی و بخش مربوط به قیام علیه کاپیتولاسیون قرار داده و تلاش کرده است که با حفظ شاکله آن پژوهش اسناد جدید را به آن متصل نماید.

فصلنامه پانزده خرداد

